

شناسایی عناصر تشکیل دهنده الگوی یکپارچه سازی دستور کارهای شورای فرهنگ عمومی کشور

• رضا یعقوبی^۱، علی اکبر رضایی^۲، محسن عامری شهرابی^۳، ندا سلیمانی^۴

چکیده

پژوهش پیش رو با هدف شناسایی عناصر تشکیل دهنده الگوی یکپارچه سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی کشور انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر داده ها کیفی مبتنی بر روش داده بنیاد و از نظر ماهیت اجرا توصیفی است. جامعه آماری متشکل از افراد خبره و مطلعان کلیدی در قلمرو موضوعی پژوهش (شورای فرهنگ عمومی) بودند که بر اساس رویکرد آگاهانه و به روش هدفمند و گلوله برفی تعداد ۱۲ نفر برای مصاحبه انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از روش کتابخانه ای (سندکاوی) و روش میدانی (مصاحبه و فن دلفی) استفاده شد. به منظور تعیین اعتبار یافته ها از مصاحبه با افراد کانونی و تکنیک های اشباع نظری و رویه های ویژه کدگذاری و برای تعیین روایی از تکنیک های جمع آوری داده ها از منابع متعدد، تحلیل موارد منفی و انعطاف روش استفاده شد. برای تحلیل داده ها نیز از تکنیک کدگذاری نظری استفاده شد. نتایج نشان داد الگوی یکپارچه سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی کشور دارای ۶ بُعد، ۳۲ مؤلفه و ۱۳۶ شاخص است که اجزای الگوی پارادایمی نهایی عبارتند از: شرایط علی (اسناد بالادستی، شرایط و اقتضائات زمانی و مکانی، تصمیمات و رفتارهای مدیریتی و سازمانی و تحولات فناورانه)؛ شرایط مداخله گر (عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، مذهبی و ذهنی - ادراکی)؛ بستر و زمینه حاکم (سیاست های کلان فرهنگی، مدیریت کلان فرهنگی، رسانه های جمعی و گردهمایی ها، مراکز فرهنگی، گروه های نخبگان و تاریخ و حوادث گذشته)؛ مقوله محوری (دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی)؛ راهبردها (برنامه ریزی کلان فرهنگی، تعاملات بین فردی و بین نهادی و ظرفیت شناسی و الگوسازی فرهنگی) و پیامدها (بهره وری و کارآمدی تصمیمات شورا و بهبود فرهنگ عمومی و کاهش مشکلات و معضلات اجتماعی).

واژگان کلیدی

الگوی یکپارچه، فرهنگ عمومی، دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی.



مقدمه

در جهان بینی اسلامی، فرهنگ به معنای اخص آن مشتمل بر نظام اعتقادات، ارزش‌ها، اخلاقیات و رفتارها و منبعث از وحی و جهت‌دهنده و تحول‌بخش نظام‌ها و بخش‌های جامعه است. فرهنگ در هر جامعه و کشوری، با حفظ ماهیت و اصالت الهی و جهان‌شمول خود، شکل و صورتی متناسب با مقتضیات جغرافیایی، تاریخی، زبانی و... به خود می‌گیرد (الوانی و هاشمیان، ۱۳۹۵). در چند دهه اخیر، به واسطه تغییر و تحولات اساسی و فراگیر در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی-امنیتی، اقتصادی، فناوری در مقیاس منطقه‌ای و جهانی، نقش ممتاز و تعیین‌کننده فرهنگ در عرصه‌های ملی، بین‌المللی و جهانی نمایان‌تر شده است (لطیفی و ظهوریان، ۱۳۹۴).

یکی از زیرمقوله‌های فرهنگی، یا به عبارت دیگر شالوده فرهنگ، فرهنگ عامه است که از آن باعنوان فرهنگ عمومی یاد می‌شود. فرهنگ عمومی جنبه‌ای از فرهنگ است که به عامه مردم مربوط می‌شود و محدود به يك قشر یا موقعیت خاص نیست (کوپیک^۱، ۲۰۱۲). به نقل از لطیفی و عبدالحسین‌زاده، (۱۳۹۵: ۲۴). فرهنگ عمومی هر آن چیزی است که مردم به‌طور عام در زندگی روزمره با آن سروکار دارند؛ از نحوه لباس پوشیدن گرفته تا آداب معاشرت و نحوه رانندگی، رعایت حقوق همسایه و صیانت از منابع طبیعی و فضای سبز محلی و توجه به تحصیل فرزندان تا ابراز همدردی با نیازمندان و افراد گرفتار چه در سطح محلی و منطقه‌ای و چه در سطح بین‌المللی، آداب و سنن مذهبی و عرف اجتماعی تا رفتار در کوچه و خیابان و ورزشگاه، همه و همه، در حوزه فرهنگ عمومی قرار دارند (Shaffer, 2008: 74).

مقام معظم رهبری فرهنگ را عامل شکل‌دهنده ذهن و رفتار عمومی و جهت‌بخش و تأثیرگذار در عرصه تصمیمات کلان کشور دانسته است. بر مبنای این تعریف، فرهنگ، پس از شکل‌گیری، نیازمند جهت‌دهی است تا بتواند بر مدیریت کلان کشور اثرگذار باشد. به همین منظور، ایشان بازمهندسی فرهنگی را مطرح می‌کند و مهندسی فرهنگی را به‌منزله بازشناسی، آسیب‌شناسی، پالایش و ارتقا‌بخشی فرهنگ و جهت‌دهی آن بر پایه هویت اصیل ایرانی-اسلامی با توجه به شرایط و مقتضیات ملی و جهانی تبیین می‌کند. ایشان مهندسی فرهنگی را بازطراحی، اصلاح و ارتقای شئون و مناسبات نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور مبتنی بر فرهنگ مهندسی شده معرفی کرده و این وظیفه خطیر را به شورای عالی انقلاب فرهنگی، به‌عنوان قرارگاه اصلی فرهنگی و مرکز مهندسی فرهنگی کشور، محول کرده است. درواقع می‌توان جوهره و کارکرد مهندسی فرهنگی را تحقق و تأمین نحوه تعامل مؤثر و ارتباط سازمند و پویای نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با نظام

فرهنگی دانست (لطیفی و عبدالحسین زاده، ۱۳۹۵).

به جرئت می توان گفت انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه عطف تحولات معنوی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قرن بیستم از توانایی های بالفعل عظیمی در حوزه فرهنگ برخوردار است و پیشرفت و تعالی همه جانبه کشور مستلزم بهره گیری مؤثر و هوشمندانه از آن در سطح ملی و مناسبات منطقه ای و جهانی است. در حقیقت، فرهنگ به معنای اخص آن از مختصات ذاتی، مزیت های راهبردی، انحصاری و سرنوشت ساز کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران است که همواره مورد تأکید بنیان گذار کبیر انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری بوده است (وبگاه شورای فرهنگ عمومی کشور، ۱۳۹۷).

برای استفاده حداکثری از ظرفیت های موجود نظام جمهوری اسلامی در حوزه فرهنگ و به منظور سیاست گذاری، هدایت و نظارت فرهنگ عمومی کشور، ضرورت انقلاب فرهنگی احساس شد و لذا، به فرمان حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۳، شورای عالی انقلاب فرهنگی شکل گرفت و سپس پیشنهاد تشکیل شورای فرهنگ عمومی مطرح شد و به منظور تعیین اهداف، سیاست گذاری و هدایت فرهنگ عمومی کشور، شورای فرهنگ عمومی با وظایف مشخص شکل گرفت. این شورا دارای نقش مشورتی است و عملاً نقش آن ایجاد گفتمان در کشور است (نه ایفای نقش در امور اجرایی) تا بتواند دستگاه ها، دولت و جامعه را نسبت به مسائل حساس کند تا در اجرای مصوبات برنامه ریزی کنند. مصوبات شورای فرهنگ عمومی صرفاً در صورتی دارای ضمانت اجرایی است که رئیس جمهور ابلاغشان کند (لطیفی و عبدالحسین زاده، ۱۳۹۵).

برای پرداختن به موضوعات و مسائل فرهنگی در قالب جلسات شورای فرهنگ عمومی ضعف ساختاری وجود دارد و آن این است که دستورجلسات برای بررسی در شورا به نوعی سلیقه ای و برگرفته از دیدگاه های اعضای آن است. معمولاً هر نهاد، شورا، کمیته و... در راستای شرح وظایف کلان خود نیازمند ساختاری نظام مند برای انتخاب موضوعات جلسات خود است. شورای فرهنگ عمومی کشور از این حیث دارای نقصان است که عملاً دستورجلسات و مصوبات آن معطوف به نظر یک یا چند نفر شده و سایر صاحب نظران و خبرگان در آن ها نقشی ندارند و به همین علت، اول از جامعیت لازم برخوردار نیستند؛ دوم، اولویت های اصلی فرهنگی کشور در نظر گرفته نمی شوند؛ سوم، نسبت سنجی مناسبی بین امکانات، هزینه ها و پرداخت به موضوعات اصلی و فرعی وجود ندارد؛ و چهارم، تعیین دستورات و موضوعات شورا و علت یابی مسائل فرهنگ عمومی بیشتر بر اساس گمانه زنی ها و مشاهدات شخصی اعضا صورت می گیرد.

رفع این مهم، با توجه به اینکه نقش و نیروی اجتماعی فرهنگ نسبت به گذشته به مراتب افزون‌تر شده است، ضرورت بیشتر هماهنگی و همسویی صاحب‌نظران، کارشناسان و برنامه‌ریزان فرهنگی کشور با نیازهای فرهنگی جامعه را می‌طلبد. بنابراین پرداختن به موضوعات فرهنگ عامه کشور بدون داشتن الگویی نظام‌مند برای انتخاب موضوعات و دستورات جلسات مسئله‌ای است که نیازمند بررسی دقیق و علمی است. این پژوهش، به منظور رفع این نقصان، به دنبال پاسخ به این پرسش است که الگوی مناسب یکپارچه‌سازی تدوین دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی کشور چیست و برای پاسخ به آن پرسش‌های فرعی ذیل را مطرح کرده است:

۱. شاخص‌های الگوی یکپارچه‌سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی کشور چیست؟
۲. مؤلفه‌ها و ابعاد الگوی یکپارچه‌سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی کشور چیست؟
۳. الگوی نظام‌مند یکپارچه‌سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی کشور چیست؟

مبانی نظری پژوهش

فرهنگ عمومی به معنای فرهنگ غالب و گسترده‌ای است که در میان عموم جامعه رواج دارد و به نوعی با فرهنگ توده ارتباط دارد (استوری، ۱۳۹۵). فرهنگ عمومی شامل حیات و ایدئولوژی غالب مورد تجربه در زندگی و تمام محتوای روانی ناشی از کاربرد وسیع و تعیین‌کننده وسایل ارتباط جمعی است که در برهه‌های خاصی از زمان مورد استفاده قرار گرفته‌اند و نیز شامل گرایش‌ها و نگرش‌های هر جامعه است (دارپایور، ۱۳۹۶). بر اساس نظر گیدنز، فرهنگ عمومی عبارت است از مجموعه منسجم و نظام‌یافته‌ای از اهداف، ارزش‌ها، عقاید، باورها، رسوم و هنجارهای مردم متعلق به جامعه‌ای بزرگ، قوم یا ملت. اما آنچه در واقع تجلی‌گر همه این‌هاست و در جامعه ظهور عمومی و قابل مشاهده دارد رفتار، منش و عرف جامعه یا همان معیارهای اجتماعی است که به سادگی می‌توانند به وصف درآیند (گیدنز، ۱۳۹۸: ۸۳). در جمع‌بندی می‌توان گفت: فرهنگ عمومی حوزه‌ای از نظام فرهنگی جامعه است که پشتوانه اجباری و قانونی رسمی ندارد و پای‌بند نبودن به آن مجازاتی را، به معنای حقوقی کلمه، در پی ندارد. فرهنگ عمومی شامل قوانین مدونی نیست که بتوان به آن‌ها ارجاع داد یا استناد کرد و شاید بتوان گفت که اساساً به لحاظ مفهومی در تقابل قوانین رسمی معنا و ظهور پیدا می‌کند. درعین حال، اگر بخواهیم اصل سادگی و جامعیت را در تعریف فرهنگ عمومی لحاظ کنیم و با لحاظ نکات پیش‌گفته، شاید بتوان فرهنگ عمومی را رفتارهای فرهنگی متعارف

جامعه یا رفتار متعارف عموم مردم جامعه تعریف کرد (ذوعلم، ۱۳۷۹: ۱۴).

فرهنگ عمومی دارای دو جهت عینی و اعتباری است که باید هر دو را مد نظر داشت. هیچ کس بهتر از مقام معظم رهبری، آیت الله خامنه‌ای، این دو بُعد فرهنگ عمومی را تبیین نکرده‌اند. از نظر ایشان، فرهنگ عمومی دو بخش دارد: یک بخش آن ظاهری و بارز است، مثل شکل لباس و شکل معماری که تأثیر خاصی بر ذهنیات و خلیات و منش و تربیت افراد دارد؛ و بخش دیگر مربوط به امور نامحسوس، مثل اخلاقیات فردی و اجتماعی مردم، وقت شناسی، وجدان کاری، مهمان دوستی و احترام به بزرگ ترهاست. ایشان در دیدار با اعضای شوراهای فرهنگ عمومی استان‌ها در سال ۱۳۷۴ در این زمینه می‌فرمایند:

به نظر بنده، فرهنگ عمومی دو بخش دارد: یک بخش امور و مسائلی است که بارز و ظاهر و جلو چشم است و حقیقتاً هم در سرنوشت ملت دخالت دارد، اما در درآمدت تأثیر می‌گذارد؛ یعنی در مسیر زندگی و حرکت‌های آینده یک ملت تأثیر دارد. مثلاً شکل لباس و چه پوشیدن و چگونه پوشیدن، معماری و...؛ بخش دوم از فرهنگ عمومی آن است که مانند بخش اول در سرنوشت یک ملت تأثیر دارد، اما تأثیراتش فوری و بسیار محسوس است؛ یعنی خود امور مربوط به این بخش از فرهنگ عمومی چندان محسوس نیست، لکن تأثیراتش در جامعه و سرنوشت و مسیر آن بسیار محسوس است. از جمله این امور و در واقع عمده‌ترین آن‌ها اخلاقیات است؛ اخلاق فردی و اجتماعی مردم یک جامعه است.^۱

ایشان همچنین اصلاح فرهنگ عمومی را امری ضروری و مهم برمی‌شمارند و وظیفه همه نهادهای دولتی، تبلیغی و فرهنگی را تلاش برای اصلاح فرهنگ عمومی می‌دانند. ایشان در این زمینه بیان می‌دارند: «اصلاح فرهنگ عمومی از همه کارها مهم‌تر است، چون این کار محور همه کارهای دیگر است»^۲.

تأثیرات فرهنگ عمومی و سیاست‌های برنامه‌ای هر کشور از نوع متقابل و متعادل هستند؛ یعنی هریک به نوبه خود از دیگری تبعیت می‌کند. لازم است بدون دست‌یابی به چنین شناختی، حتی الامکان، از دست‌اندازی به موارد حساس زندگی عامه مردم پرهیز شود و به هنگام تصمیم‌گیری ملاحظات مرتبط دقیقاً برآورد شود. فرهنگ عمومی، از آنجاکه محصول مستقیم رفتارهای عادی مردم است، باید در ساده‌ترین فعالیت‌های اجتماعات مردم، از جمله روش‌های کسب و معاش، پیوندهای خانوادگی، نظام اداره خانواده و جامعه، نحوه پوشش، سنت‌های غذا خوردن، تربیت کودک و مسائل جزئی و روزمره که در ظاهر

1. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=2759&nt=2&year=1374&tid=1705>

2. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=2759&nt=2&year=1374&tid=1705>

بی‌اهمیت به نظر می‌آیند، مورد مطالعه و تفحص قرار گیرد (مقتدایی و راعی، ۱۳۹۲).

از جمله عوامل اساسی شکل‌گیری فرهنگ عمومی می‌توان سه عامل حکومت، اقتصاد و ارتباطات را، به‌عنوان نهادی‌ترین ارکان تشکیل جوامع، نام برد. حکومت یا به عبارت دیگر سیاست‌های حکومت در حوزه فرهنگ نیز یکی از عوامل مؤثر است. سیاست فرهنگی به‌طور کلی در حکم چارچوب یا ابزاری رسمی از سوی دولت به‌منظور هدایت و ترویج فعالیت‌های فرهنگی یا توسعه اقتصادی - اجتماعی و زیرساختی متعادل در نظر گرفته می‌شود (Bedoya, 2004). به باور گری^۱ (۲۰۰۷)، سیاست فرهنگی «طیفی از فعالیت‌هاست که دولت‌ها در عرصه فرهنگ برای انجام دادن یا ندادن آن‌ها تصمیم می‌گیرند». در این تعریف و برای تدوین و اجرای سیاست فرهنگی طیف گسترده‌ای از بازیگران وجود دارند، از جمله دولت، به‌ویژه در حوزه‌های محلی، برنامه‌ریزی (روستایی و شهری)، سیاست‌گذاران، هنرمندان و ارگان‌های جامعه مدنی (2005 Day). البته این تعریفی گسترده از سیاست‌های فرهنگی را شامل می‌شود و می‌توان آن را به تولید و فعالیت‌های فکری و هنری نیز محدود کرد (Mulcahy, 2006). عنصر مهم دیگر، با توجه به گسترش روزافزون فناوری ارتباطات، خود ارتباطات است. هیچ جامعه‌ای بدون ارتباط مستمر و مؤثر با اجتماعات دیگر دچار تحول جدیدی در ساختار فرهنگ عمومی خود نمی‌شود. عنصر مهم دیگر اقتصاد است. هیچ اندیشه سالمی تأثیر مهم اقتصاد بر فرهنگ و متقابلاً فرهنگ بر اقتصاد را تکذیب نمی‌کند. رشد یا رکود، بارور شدن و بالیدن یا پژمردن و افسردن روح‌ها و اندیشه‌ها و استعداد‌های شگرف، همه و همه، در گرو حمایت‌ها و آزادی‌های اقتصادی و امکانات بارورسازی این استعدادهاست. اقتصاد چنان در چرخه حیات بشری اثر سازنده یا تخریبی می‌تواند داشته باشد که عدم معاش در دین مبین معادل عدم معاد خوانده شده است.

اما مهم‌تر از شناسایی عوامل مؤثر بر فرهنگ برنامه‌ریزی مناسب فرهنگی است تا بتوان، ضمن حفظ فرهنگ و مؤلفه‌های مثبت آن، به جذب ویژگی‌های فرهنگی مثبت سایر فرهنگ‌ها نیز اقدام کرد و از طرفی جلو هر گونه نفوذ فرهنگی را که می‌تواند برای فرهنگ بومی و سالم مضر باشد گرفت. لذا برنامه‌ریزی فرهنگی نیز یکی از موضوعات مهم در خصوص موضوع مورد بحث است.

برخی محققان برنامه‌ریزی فرهنگی را در حکم فرایند سیاست برای توسعه فرهنگی توصیف می‌کنند (Grodach, 2010; Rosenstein, 2011)؛ در صورتی که استیونسن^۲ (۲۰۰۵) تعریف گسترده‌ای دارد و بیان می‌کند که برنامه‌ریزی فرهنگی برای چندین هدف ترویج

1. Gray

2. Stevenson

داده شده است، از جمله: پرورش توسعه جامعه، ترویج همکاری بین بخش‌های خصوصی و عمومی و نیز موقعیت‌یابی هنر به منزله صنعت. در گزارشی که دولت کانادا منتشر کرده، هدف توسعه برنامه فرهنگی تعریف رویکردی سیستماتیک به منظور توسعه فرهنگی، اهرمی کردن سود بیشتر از منابع غنی فرهنگی، حمایت از اقتصاد و توسعه جامعه، و در نهایت کمک به محیط زیست با سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی بیان شده است (Statistics Canada, 2011). ضرورت برنامه‌ریزی فرهنگی را باید در دو چیز جست‌وجو کرد: نخست در کارکرد دوگانه و تناقض‌آمیز فرهنگ؛ یعنی کارکرد تغییر و تداوم آن، و دوم جوامعی نظیر جامعه ما که مرحله گذر را طی و تحول‌های سریع و ناهمگون و نابرابر را تجربه می‌کنند هم‌زمان به نظم و تغییرهای همگون و جهت‌دار نیاز دارند. بنابراین در خصوص بحث پیرامون موضوع فرهنگ عمومی، باید ابتدا به شناخت مفهوم فرهنگ عمومی و سپس عوامل مؤثر بر فرهنگ عمومی پرداخته شود و در نهایت برنامه‌ریزی فرهنگی مناسب صورت گیرد. این‌ها روی هم نیازمند شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی برای یکپارچه‌سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی هستند تا شورا بتواند بر مبنای آن برنامه‌ریزی دقیق، صحیح و به موقع را انجام دهد (الوانی و هاشمیان، ۱۳۹۵).

برای انجام این مهم، یعنی توجه به فرهنگ عامه و برنامه‌ریزی فرهنگی برای آن، می‌توان به دو گونه عمل کرد: از نتایج پژوهش‌های سایر محققان و صاحب‌نظران استفاده کرد یا به صورت مجزا به پژوهش پرداخت و نتایج آن را به کار گرفت. پیشینه مطالعاتی پژوهش در دو بخش داخلی و خارجی حاکی از آن است که مطالعات متعددی در این حوزه انجام شده‌اند که البته دقیقاً به موضوع پژوهش نپرداخته‌اند، اما به منظور شناخت بیشتر موضوع می‌توان به مرتبط‌ترین آن‌ها اشاره کرد.

پیشینه پژوهش

در حوزه مطالعات داخلی، مقتدایی و سرتیپ‌زاده (۱۳۹۸) در پژوهشی به تبیین چستی شورای فرهنگ عمومی و جایگاه استانی آن (تحلیلی بر مبنای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی) پرداختند. آن‌ها معتقدند یکی از عناصر مهم در موجودیت هر جامعه فرهنگ آن است. در جمهوری اسلامی ایران نهادهای متعددی متولی امور فرهنگی هستند؛ لیکن یکی از علل پویا نبودن فرهنگ جامعه ما ناکارآمدی سازمان‌های متولی امور فرهنگی است. شورای فرهنگ عمومی یکی از نهادهای اجرایی فرهنگی است که نقش بسزایی را در سامان‌دهی امور فرهنگی به عهده دارد. در این میان، شورای فرهنگ عمومی استان در مرکز هر استان، با هدف شناخت و اطلاع از وضع فرهنگ عمومی و اصلاح و ارتقای آن و نظارت

و پیگیری مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای فرهنگ عمومی، زیر نظر شورای فرهنگ عمومی تشکیل می‌شود. دریس، نصر اصفهانی و روزخوش (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تحلیلی بافت انضمامی و ابهام در سیاست‌گذاری فرهنگی ایران پرداختند. آن‌ها بیان می‌کنند بررسی دیدگاه‌های گروهی از نخبگان حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی نشان می‌دهد نوعی ابهام و عدم شفافیت در شناسایی چالش‌های فرهنگی جامعه، چگونگی فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی و نقش دولت در این فرایند وجود دارد. این ابهام و عدم شفافیت خود را در محتوای سیاست‌ها، انتظارات از آن‌ها و نتایجشان نشان می‌دهد؛ واقعیتی که حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی را در معرض تحولات و نزاع‌های سیاسی و ناهمسویی‌ها در اجرا و ارزیابی برنامه‌ها قرار می‌دهد.

ابن یامینی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی فرهنگ عمومی، هویت فرهنگی، و سیاست‌گذاری فرهنگی پرداخت. وی بیان می‌کند که، در آینده در زمینه سیاست‌گذاری فرهنگی، نهادهای هنری به‌جای تکیه بر یارانه دولتی بیشتر به سمت خصوصی‌سازی پیش بروند. مدل امریکایی خصوصی‌سازی فرهنگ برای دولت‌هایی که خواهان کاهش یارانه‌های فرهنگی خود هستند بسیار جذاب به نظر می‌رسد. البته فضای فرهنگی خصوصی شده کمتر به مسائلی چون تنوع زیبایی‌شناختی، دسترسی عمومی و نمایندگی فرهنگی می‌پردازد. سیاست‌گذاری فرهنگی مناسب با حمایت از هویت فرهنگی و گفتمان زیبایی‌شناسی، که بخشی از گفت‌وگوی مدنی هستند، به افزایش رفاه عمومی منجر می‌شود. الوانی و هاشمیان (۱۳۹۵) در پژوهشی به ارائه مدل بومی سیاست‌گذاری متوازن بخش فرهنگ پرداختند. آن‌ها بیان کردند با نگرش آسیب‌شناسانه به عرصه مدیریت فرهنگ می‌توان یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف حاکم بر سیاست‌گذاری فرهنگی را بهره‌نگرفتن از مدلی مناسب دانست. بر این اساس، این مقاله در بخش نخست، پس از تعریف دو مفهوم فرهنگ و سیاست عمومی، به مرور اجمالی نسبت میان فرهنگ و سیاست‌گذاری و مدل‌های مختلف خط‌مشی‌گذاری می‌پردازد. در بخش دوم پژوهش، تلاش شده است الگویی بومی در عرصه سیاست‌گذاری ارائه شود. مهم‌ترین نقاط قوت فرهنگی با تکیه بر منطق توازن برگرفته از مدل ارزیابی متوازن عملکرد این الگور می‌توان در نگرش طولی متوازن به بخش فرهنگ نسبت به سایر بخش‌ها و پیگیری اهداف راهبردی سند چشم‌انداز در بخش فرهنگ به‌وسیله برقراری ارتباط میان فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی با سند چشم‌انداز بیست‌ساله دانست. لطیفی و عبدالحسین‌زاده (۱۳۹۵) در پژوهشی به ارائه الگوی نظام‌مند اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی در کشور براساس اندیشه مقام معظم رهبری پرداختند. این پژوهش، با در نظر گرفتن اهمیت فرهنگ عمومی، در صدد است الگوی نظام‌مند جامعی را برای اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی کشور براساس

دیدگاه‌های مقام معظم رهبری ارائه دهد. در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد، تلاش شد الگوی نظام‌مند فرهنگ عمومی برای اصلاح و ارتقای آن در کشور استخراج شود. با مطالعه بیانات مقام معظم رهبری و استخراج بیش از ۵۰۰ مفهوم، در کدگذاری انتخابی این مفاهیم طبقه‌بندی شدند و ۳۴ کد محوری استخراج شدند که هر کدام ذیل مقوله‌های الگوی نظام‌مند (شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، راهبردها، شرایط مداخله‌گر و پیامدها) جای گرفت و تشریح و تبیین شد. مشخص شد که برای اصلاح فرهنگی، باید همه‌جانبه و کل‌نگر بود و همه جنبه‌های بنیادی و نظری مثل تبیین نظریه فرهنگ عمومی و طراحی الگوهای رفتاری از منابع دینی و مباحث اجرایی و راهبردی مثل شبکه‌سازی فرهنگی، توزیع مناسب فرهنگی و... مد نظر قرار گیرند. مقتدایی و ازغندی (۱۳۹۵) بیان کردند در مجموعه سیاست‌گذاری‌های اقتدار عمومی سیاست‌های فرهنگی بالاترین اهمیت را دارد. از این روست که در نگاه یونسکو فرهنگ و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در کانون فرایند توسعه پایدار کشورها تعریف می‌شوند. لذا برای سنجش و ارزیابی میزان موفقیت یا ناکامی سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ نیازمند نگاهی واقع‌بینانه هستیم؛ نگاهی که در سایه آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری‌ها تحصیل خواهد شد. بنابراین هدف پژوهش، ضمن تبیین رابطه فرهنگ و سیاست‌گذاری، بررسی مهم‌ترین آسیب‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران با روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده به روش کتابخانه‌ای است. یافته‌ها حاکی از آن است که در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی مشکلات عدیده‌ای در بخش‌های مربوط به مطالعات نظری و شکل‌گیری، اجرا و ارزیابی وجود دارد. لطیفی و ظهوریان (۱۳۹۴) در پژوهشی به «تدوین الگوی ارزیابی شاخص‌های فرهنگ عمومی در دانشگاه‌ها» پرداختند. این پژوهش با رویکرد آمیخته انجام شده است. شاخص‌های فرهنگ عمومی در دانشگاه‌ها با مطالعه بیانات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری استخراج شدند و شاخص‌های فرهنگی وزن دهی با روش کمی و پرسش‌نامه‌ای سنجیده شدند.

رضایی (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «شناسایی وضعیت موجود و مطلوب مؤلفه‌های برنامه‌ریزی استراتژیک در مدیریت سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی ایران (مورد مطالعه: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)» انجام داده است. هدف این پژوهش شناسایی وضعیت موجود و مطلوب مؤلفه‌های برنامه‌ریزی استراتژیک در مدیریت سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی ایران است. پژوهش از نوع کاربردی است و از نظر نوع و زمینه‌یابی جزء پژوهش‌های هم‌بستگی و مدل‌یابی است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که وضعیت موجود مؤلفه چشم‌انداز، اهداف و مأموریت، عوامل درون‌سازمانی و عوامل برون‌سازمانی در حد مطلوبی قرار ندارد. مقتدایی و راعی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «شورای فرهنگ عمومی و تأثیر مصوبه‌های آن

بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی»، جایگاه شورای فرهنگ عمومی استان اصفهان در سامان‌دهی امور فرهنگی را مطالعه کردند. بررسی وضعیت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در مصوبه‌های شورای فرهنگ عمومی استان اصفهان در سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۹ داده‌های این پژوهش را تشکیل می‌دهد. روش بررسی تحلیل محتوا، مصوبه‌های شورای فرهنگ عمومی و رابطه بین نوع مصوبه‌ها بر اساس آیین‌نامه‌ها و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی با سامان‌دهی امور فرهنگی سنجیده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نیمی از مصوبه‌های شورای فرهنگ عمومی در امر سیاست‌گذاری فرهنگی مرتبط بوده و در وظیفه برنامه‌ریزی، بیشتر مصوبه‌ها نامرتبط با وظایف شورا بوده‌اند. جمشیدی‌ها و فولادیان (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «بررسی تحولات فرهنگ عمومی در ایران بر اساس تحلیل نام‌گذاری» انجام دادند. آن‌ها بیان کردند که نام‌گذاری افراد در جامعه یکی از شاخص‌هایی است که به وسیله آن می‌توان جهت‌گیری فرهنگ عمومی جامعه را مشخص کرد.

در زمینه فرهنگ عمومی در خارج از کشور پژوهش‌هایی انجام شده است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود. بانکس^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی برخی توضیحات اولیه در مورد تأثیرات فرهنگی گوید ۱۹ را ارائه می‌دهد. در ابتدا بررسی می‌شود که چگونه همه‌گیری ممکن است از قبل بورس تحصیلی مطالعات فرهنگی را تغییر دهد. یا ظرفیت‌های ما را به چالش بکشد. با این حال، پژوهش بیشتر بر این موضوع متمرکز است که چگونه اقدامات طراحی شده برای مقابله با گوید ۱۹ برای تغییر الگوهای مصرف فرهنگی تولید و کار آغاز شده است. این پژوهش وضعیت فعلی فرهنگیان را در بحران بررسی می‌کند و در نهایت بیان می‌کند دولت‌ها می‌توانند به سرعت حرکت کنند و در صورت نیاز کافی و تقاضای عمومی شدید هزینه کنند. آن‌ها می‌توانند منابع را بسیج کرده و مداخلات گسترده‌ای را برای حمایت از جمعیت و کالای بیشتر مورد توافق انجام دهند. همچنین گوید ۱۹ ما را وادار کرد تا در نظر بگیریم که فرهنگ در بحران فوری و فراتر از آن نیز ممکن است باشد و برای جلوگیری از خسارت باید به فرهنگ روی آورد. فیلیمون، ایفتن و تراندابات^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی یک بازی فرهنگ عمومی به نام باب ارائه دادند که به عنوان مهارتی برای دستیار نرم‌افزار آمازون الکسا اجرا شده است. انگیزه اصلی این کار امکان یادگیری از طریق بازی‌ها و دستگاه‌های هوشمند است که امروزه بخشی از زندگی و خانه اکثر کودکان است. بازی باب پرسش‌های مربوط به فرهنگ عمومی را در زمینه جغرافیا، به ویژه مربوط به شهرها، کشورها و دریاچه‌ها. در اختیار کاربران قرار می‌دهد. پرسش‌ها با استخراج و تجزیه و تحلیل

1. Banks

2. Filimon, Iftene & Trandabăț

اطلاعات از دو منبع عمده دانش DBpedia و Wikidata شکل می‌گیرند، که هر دو در زمینه پردازش زبان طبیعی به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرند. باب می‌تواند آزمایش‌های فرهنگ عمومی را آغاز کند. در این بازی، پرسش‌ها از طریق کامپیوتر به طور خودکار با سطح دانش پخش‌کننده سازگار می‌شوند. با دنبال کردن تنظیمات مشخص شده توسط کاربر، باب همچنین امکان رتبه‌بندی بازیکنان را با توجه به عملکرد آن‌ها و ارسال آمار توئیت در صورت درخواست ارائه می‌دهد. مزیت عمده راه‌حل ما این واقعیت است که می‌توان از طریق Amazon Echo یا تلفن هوشمند از این برنامه استفاده کرد و به کودک امکان می‌دهد از خانه یا هر مکانی با اتصال به اینترنت به آن دسترسی پیدا کند. خان و لو^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی نقش فرهنگ‌های ملی در شکل‌گیری فرهنگ‌های مدیریت شرکت پرداختند. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه فرهنگ‌های ملی بر فرهنگ مدیریتی سازمان‌ها تأثیر می‌گذارند. در این پژوهش، اختلافات و شباهت‌ها میان فرهنگ‌های ملی پاکستان، مکزیک و ایالات متحده آمریکا بررسی شد تا از خلال آن تأثیرات این اختلافات و شباهت‌ها بر فرهنگ مدیریتی سازمان‌های مستقر در این کشورها تجزیه و تحلیل شود. نتایج تجزیه و تحلیل بر اساس ادبیات موجود نشان می‌دهد که تفاوت در فرهنگ‌های ملی به شدت بر نحوه مدیریت سازمان‌ها در این کشورها تأثیر می‌گذارد. این یافته‌ها چالش‌های مدیریت بین‌فرهنگی را برای سازمان‌هایی که در این کشورها کار می‌کنند، به ویژه هنگامی که آن‌ها می‌خواهند مشارکت تجاری سه‌جانبه یا دوجانبه ایجاد کنند، ارائه می‌دهند. ایالات متحده آمریکا و مکزیک از نظر جغرافیایی از پاکستان فاصله دارند. چانگ^۲ (۲۰۱۱) نشان داد که فرایند تبدیل شدن شامل سه مرحله شناسایی منابع، ایجاد معنا و تغییرهای اجتماعی است. دست‌یابی به هر مرحله نتیجه تعامل بین دولت‌های محلی است و هنگامی که هدف شناسایی و بهره‌برداری بیشتر از منابع فرهنگی باشد، اغلب با اهداف سرمایه‌داری در تعارض قرار خواهد گرفت (Chang, 2011: 188). رآو و والتون^۳ (۲۰۰۴) به بررسی ویژگی‌های فرهنگی و تأثیر فرهنگ عمومی مردم در اقدامات و رفتارها پرداخته‌اند. در این پژوهش نیز توصیه‌هایی برای شکل‌گیری فرهنگ عمومی مطلوب در جامعه شده است.

مرور پیشینه مطالعاتی داخلی و خارجی نشان می‌دهد که هیچ‌یک از پژوهش‌ها به موضوع دستورکارهای جلسات شوراهای فرهنگ عمومی نپرداخته‌اند و بیشتر به موضوع

فرهنگ عمومی کشور و الگویی برای آن و یا ارتباط آن با سایر متغیرها پرداخته‌اند. لذا امکان استفاده از آن‌ها برای مسئله مطرح شده در این پژوهش وجود ندارد و تا حدی می‌توان از نتایج آن‌ها در پوشش پژوهش پیش رو استفاده کرد و باید به ارائه الگویی نظام‌مند برای یکپارچه‌سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی پرداخت.

به منظور ترسیم چارچوب نظری پژوهش، از آنجاکه پژوهشی که تا حدی بتواند مبنای کار پیش رو قرار گیرد وجود نداشت؛ لذا پژوهشگران چندین منبع را به‌عنوان مبنای نظری خود قرار دادند تا بتوانند مؤلفه‌های اصلی الگوراسناسایی کنند که عبارت‌اند از: اسناد بالادستی نظیر سیاست‌های کلی ابلاغی، برنامه‌های توسعه و سند مهندسی فرهنگی؛ سیاست‌های کلان فرهنگی نظیر سند چشم‌انداز و شرح وظایف شورای فرهنگ عمومی؛ مصوبات شورای فرهنگ عمومی و شورای عالی انقلاب فرهنگی.

روش پژوهش

این پژوهش از منظر هدف کاربردی، از نظر داده‌ها کیفی، و از نظر ماهیت مطالعه مبتنی بر روش داده‌بنیاد است. در این پژوهش، به مدد مطالعه اسناد و مدارک علمی، مصاحبه با خبرگان با استفاده از فن دلفی و تلخیص داده‌ها، چارچوب اولیه الگوی یکپارچه‌سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی کشور شکل گرفته است.

جامعه آماری پژوهش خبرگان و مطلعان کلیدی حوزه فرهنگ عمومی و مدیران و کارشناسان خبره وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای فرهنگ عمومی و شورای عالی انقلاب فرهنگی بودند و نمونه‌گیری از آن‌ها به صورت هدفمند و به روش گلوله برفی تا حد اشباع نظری انجام شد که در نهایت ۱۲ نفر در مصاحبه‌ها شرکت کردند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد.

برای تعیین اعتبار درونی داده‌ها از چندین روش استفاده شد: داده‌ها با مطالعه مبانی نظری، پیشینه پژوهش، منابع، مصاحبه با افراد کانونی انتخاب و تأیید شدند؛ نظرها و رهنمودهای گروهی از خبرگان لحاظ شدند؛ برای تأیید دقت و صحت داده‌ها، درمورد اعتبار مطالعه از شیوه بررسی به وسیله اعضای پژوهش استفاده شد. برای تعیین اعتبار بیرونی یافته‌ها از تکنیک‌های حصول اشباع نظری، رویه‌های ویژه کدگذاری و تحلیل نمادها و نشانه‌ها، و توصیف غنی داده‌ها استفاده شد. برای تعیین روایی یافته‌ها نیز از سه تکنیک جمع‌آوری داده‌ها از منابع متعدد، تحلیل موارد منفی و انعطاف روش استفاده شد.

پس از جمع آوری اطلاعات مورد نیاز، به مدد ضریب نسبی روایی محتوا و نظریه داده بنیاد^۲ (کدگذاری مفاهیم)، مؤلفه ها و شاخص های الگوی یکپارچه سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی به دست آمدند.

نتایج حاصل از CVR با توجه به تعداد خبرگان (۲۰ نفر) و حداقل میزان قابل قبول CVR (۰/۴۹) به شرح جدول ۱ است. تمام ضرایب ابعاد همان گونه که در جدول مشاهده می شود بالاتر از ۰/۴۹ هستند.

جدول ۱. نتایج به دست آمده در خصوص شاخص نسبی تحلیل محتوا (CVR)

روایی (CVR)	عناصر	روایی (CVR)	عناصر
۰/۸۰	ظرفیت شناسی و الگوسازی فرهنگی	۰/۸۷	سیاست های کلان فرهنگی
۰/۷۵	گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی	۰/۹۰	مدیریت کلان فرهنگی
۰/۸۸	سرمایه اجتماعی	۰/۸۹	مراکز فرهنگی
۰/۷۱	اخلاق عمومی	۰/۹۱	گروه های نخبگان
۰/۸۵	زنان و خانواده	۰/۹۳	تاریخ و حوادث گذشته
۰/۷۳	بهداشت، سلامت، نشاط اجتماعی	۰/۹۰	اسناد بالادستی
۰/۸۶	خردورزی و استدلال گرایی	۰/۸۹	شرایط و اقتضات زمانی و مکانی
۰/۷۴	آسیب های اجتماعی	۰/۸۸	تصمیمات و رفتارهای مدیریت و سازمانی
۰/۶۳	روح ملی و شخصیت های میهنی	۰/۸۶	تحولات فئاورانه
۰/۷۹	محیط زیست	۰/۸۵	عوامل سیاسی
۰/۸۴	جوانان	۰/۸۷	عوامل اقتصادی
۰/۷۷	معماری و شهرسازی	۰/۸۶	عوامل فرهنگی- اجتماعی
۰/۸۲	دین و مذهب	۰/۷۹	عوامل مذهبی
۰/۹۱	بهره وری و کارآمدی تصمیمات شورا	۰/۸۲	عوامل ذهنی- ادراکی
۰/۹۳	بهبود فرهنگ عمومی و کاهش مشکلات اجتماعی	۰/۷۴	تعاملات بین فردی و بین نهادی
		۰/۸۱	برنامه ریزی کلان فرهنگی

در بخش کدگذاری از روش استراوس و کوربین استفاده شد که رویکردی نظام مند را پیشنهاد می کنند. مهم ترین بخش کار در تحلیل داده های پژوهش کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) است که بدین گونه انجام شد:

1. Content Validity Ratio (CVR)

2. Grounded Theory

- کدگذاری باز: مصاحبه‌ها پیاده و داده‌ها یکسان‌سازی شدند و مطابق با ادبیات نظری پژوهش اصطلاحات علمی برای آن‌ها انتخاب شد، مقوله‌بندی مفاهیم انجام شد و سپس فهرستی از مقوله‌ها به دست آمد.
- کدگذاری محوری^۲: کدهای باز به دست آمده (مقوله‌ها) دسته‌بندی شدند و هریک از کدهایی که به لحاظ علمی و مفهومی قابلیت قرارگرفتن در یک مجموعه را داشتند در یک دسته قرار گرفتند. با این کار، بین کدهای تولیدشده در کدگذاری باز رابطه برقرار شد.
- کدگذاری انتخابی^۳: در این مرحله کدهای محوری به دست آمده با مفهوم اصلی پژوهش (یکپارچه‌سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی) مرتبط شدند و اعتبار روابط بین کدهای محوری و انتخابی تأیید شد. همچنین دسته‌بندی‌هایی که نیاز به اصلاح و توسعه بیشتری داشتند تکمیل شدند.

یافته‌های پژوهش

با توجه به پرسش‌های مطرح شده در پژوهش پیش رو، به مدد نظریه داده‌بنیاد نظام‌مند و با اعمال روش کدگذاری، پاسخ پرسش‌ها به شرح ذیل ارائه شد.

شاخص‌های الگوی یکپارچه‌سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی کشور چیست؟

برای پاسخ به این پرسش، به احصای مفاهیم کلیدی و شاخص‌های یکپارچه‌سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی از اسناد و مدارک موجود و دیدگاه‌های خبرگان و صاحب‌نظران پرداختیم. ابتدا پژوهشگران از متن اسناد و مدارک در دسترس و مقالات منتشرشده مسئولان و تصمیم‌گیرندگان موضوع به شناسایی شاخص‌ها پرداختند و مفاهیم کلیدی را استخراج و فهرست کردند. براساس سندکاوی صورت‌گرفته ۱۵۶ مفهوم به دست آمد.

براساس نتایج به دست آمده در این گام، فرم اولیه مصاحبه ساختاریافته با خبرگان و صاحب‌نظران تهیه شد تا پژوهشگر به کمک آن فرایند مصاحبه را هدایت و کنترل کند و از طرف دیگر بتواند مجموعه منسجم‌تری از شاخص‌های یکپارچه‌سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی را شناسایی کند و سپس با خبرگان مصاحبه کند. با توجه به

1. open coding

2. axial coding

3. selective coding

راهنمای ارائه شده استراوس و کوربین (۱۹۹۸)، با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل خطوط و پاراگراف‌ها تلاش شد تا کدهای باز استخراج شوند. به عبارت دیگر، در راستای دست‌یابی به الگوی موردنظر، نتایج اولیه به دست آمده از مصاحبه‌ها تجزیه و تحلیل شدند و فرایند کدگذاری باز اجرا شد. در این فرایند، اقدام به یکسان‌سازی مفاهیم شد؛ به گونه‌ای که واژگان به دست آمده بر مبنای واژگان علمی و موضوعی تصحیح شدند، مفاهیم مشترک حذف شدند، عبارات نامفهوم و مبهم بازمینی شدند، عبارات و مواردی که لازم بود اصلاح شدند. فرایند مصاحبه طی ۴ مرحله و هر بار با سه نفر و در مجموع با ۱۲ نفر انجام شد و در نهایت منتج به شناسایی ۸۱ مفهوم کلیدی شد. پس از فرایند سندکاوی و مصاحبه با خبرگان، مفاهیم به دست آمده با یکدیگر تلفیق شدند و موارد مشترک حذف شدند و یکسان‌سازی عبارات و مفاهیم صورت گرفت که بر این اساس ۲۳۴ مفهوم به دست آمد. سپس مفاهیم نهایی در قالب فرم دلفی تنظیم و برای تعدادی از صاحب‌نظران ارسال شد که در این مرحله ۱۳ مفهوم کلیدی با یکدیگر ادغام شدند و ۲۰ مفهوم کلیدی حذف شدند. تعدادی از مفاهیم به دست آمده نیز تحت عنوان مصادیق جمع‌بندی شدند و ذیل یک مفهوم قرار گرفتند. همچنین تغییراتی در متن برخی مفاهیم ایجاد شد که نهایتاً ۱۳۶ مفهوم کلیدی شناسایی شدند که از آن‌ها تحت عنوان کدهای باز یا شاخص‌های الگو یاد می‌شود. شاخص‌های شناسایی شده در جدول ۲ قابل مشاهده‌اند.

مؤلفه‌ها و ابعاد الگوی یکپارچه‌سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی کشور چیست؟

پس از شناسایی شاخص‌های الگوی موردنظر تحت عنوان یکپارچه‌سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی، نوبت به طبقه‌بندی شاخص‌ها رسید. از آنجاکه واحد اصلی تحلیل برای کدگذاری باز و محوری مفاهیم هستند، هنگام تجزیه و تحلیل، مفاهیم از طریق عنوان‌گذاری توسط محقق، مستقیماً از رونوشت مصاحبه با شرکت‌کنندگان و سندکاوی (کدهای زنده) و یا با توجه به موارد مشترک کاربرد آن‌ها ایجاد شدند و نسخه‌های پیاده شده مصاحبه‌ها برای یافتن مقوله‌های اصلی به‌طور منظم بررسی شدند. در این مرحله ۱۳۶ شاخص شناسایی شده در قالب دسته‌های بزرگ مفهومی طبقه‌بندی شدند. در مرحله کدگذاری محوری، مقوله‌ها بر مبنای فرایند سندکاوی و مصاحبه با خبرگان در قالب ۳۲ خوشه بزرگ‌تر دسته‌بندی شدند. از مقوله‌های شناسایی شده تحت عنوان کدهای محوری یا مؤلفه‌ها یاد می‌شود که به شرح جدول ۲ هستند.

جدول ۲. کدهای باز و محوری به دست آمده از تحلیل اسناد و مصاحبه‌ها

شماره	مقوله‌ها	شاخص‌ها (مفاهیم)
شرایط زمینه‌ساز	سیاست‌های کلان فرهنگی	۱. سیاست‌های کلان فرهنگی کشور در برنامه‌های بلندمدت نظیر سند چشم‌انداز ۲. شرح وظایف مصوب شورای فرهنگ عمومی ۳. سازوکارها و برنامه‌های مصوب فرهنگی برای هدایت و اداره فرهنگ عمومی در جامعه از مراجع عالی
	مدیریت کلان فرهنگی	۴. تقسیم کار ملی میان اعضا و تعیین نقش هر یک از آن‌ها در اجرای مصوبات ۵. قدرت مدیریت کلان فرهنگی کشور به طور خاص وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶. برخورداری از نگاه منظومه‌ای به کلیت عوامل دخیل در نظام سیستمی کشور ۷. برخورداری از انسجام اجتماعی و انسجام سیستمی در کل نظام مدیریت کشور ۸. تعیین دستورکارها براساس نظر رئیس، دبیر و دبیرخانه و اعضای شورای فرهنگ عمومی ۹. پرداخت و تبیین مناسب موضوعات قبل از برگزاری جلسات ۱۰. استعلام از نمایندگان دستگاه‌ها و سازمان‌های عضو شورا ۱۱. مقررات‌گذاری مناسب برای نحوه ارائه دستورکارها
	رسانه‌های جمعی و گردهمایی‌ها	۱۲. صداوسیما ۱۳. سینما ۱۴. مطبوعات ۱۵. همایش‌ها ۱۶. سخنرانی‌ها
	مراکز فرهنگی	۱۷. درخواست وزارت خانه‌ها به عنوان یکی از روش‌های انتخاب دستورکارها ۱۸. دستور جلسات مناسبتی به درخواست شخصیت‌های حقوقی ۱۹. حوزه ۲۰. دانشگاه ۲۱. آموزش و پرورش و مدارس ۲۲. کتاب‌خانه‌ها ۲۳. اماکن مقدسه و زیارتی نظیر مساجد و کلیساها
	گروه‌های نخبگان	۲۴. کارگروه‌های تخصصی زیرمجموعه شورای فرهنگ عمومی ۲۵. دستور جلسات مناسبتی به درخواست شخصیت‌های حقیقی ۲۶. روحانیون و ائمه جمعه و جماعت ۲۷. استادان دانشگاه ۲۸. معلمان ۲۹. ورزش‌کاران و هنرمندان
	تاریخ و حوادث	۳۰. وقوع حوادث یا موضوعات روز (مناسبت‌های ملی و مذهبی) ۳۱. رویه‌های تقویمی و اتفاقات روزمره ۳۲. سطح بندی مذهبی و فرهنگی کشوری، استانی و شهری ۳۳. لهجه‌ها و گویش‌ها ۳۴. پوشش و لباس ۳۵. رفتارها و عادت‌های باستانی و ملی و مذهبی

شماره	مقوله‌ها	شاخص‌ها (مفاهیم)
عوامل رابطه‌ای	اسناد بالادستی	۳۶. سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری ۳۷. نقشه و سند مهندسی فرهنگی ۳۸. برنامه‌های توسعه پنج‌ساله کشور ۳۹. مصوبات جلسات ستاد راهبرد نقشه مهندسی فرهنگی کشور
	تحولات فناورانه	۴۰. تغییرات فناوری و تولید محتواهای مجازی و شبکه‌های اجتماعی ۴۱. توجه به برنامه‌های تهاجم فرهنگی بیگانگان ۴۲. توجه به نرم‌افزارها و اپلیکیشن‌های بازی ساز و پیچ‌های گفت‌وگو ۴۳. برنامه‌ها، فیلم‌ها و نرم‌افزارهای ملی با هویت ایرانی اسلامی ۴۴. برنامه‌ریزی برای خروج جامعه از حالت انفعالی و تدافعی در مقابل فناوری امروزی ۴۵. ترویج فرهنگ استفاده مناسب از فضای مجازی ۴۶. پالایش و ارتقای سطح محتوای فضای مجازی ۴۷. مدیریت زمان استفاده از فضای مجازی ۴۸. اعتیاد به اینترنت و درمان آن
	تصمیمات و رفتارهای مدیریتی و سازمانی	۴۹. تلاش برای تقسیم کار برای ارتقای فرهنگ عمومی کشور ۵۰. ارائه بازخورد به اعضای شورا و مشخص کردن اثر فعالیت آن‌ها ۵۱. دریافت بازخورد در بازه‌های زمانی مشخص از اجتماع ۵۲. رویکردها و برنامه‌های وزرای فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان رئیس شورای فرهنگ عمومی ۵۳. تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و... مدیران و سازمان‌های ملی و منطقه‌ای
عوامل مداخله‌گر	شرایط و اقتضات زمانی و مکانی	۵۴. پیش‌بینی مسائل اقتصادی برآمده از شرایط زمانی و مکانی حال حاضر ایران و جهان ۵۵. رویدادها و وقایع بین‌المللی، ملی و منطقه‌ای ۵۶. شرایط و اقتضات مناسبتی و مناسکی
	عوامل سیاسی	۵۷. کنش و واکنش‌های سیاست‌مداران و افراد تصمیم‌گیرنده در امور اجرایی کشور ۵۸. سیاست‌های کلی دولت در زمینه امور سیاسی کشور ۵۹. رهبری ۶۰. تصمیمات و فعالیت‌های قوای سه‌گانه ۶۱. احزاب و نهادهای سیاسی ۶۲. روابط بین‌المللی ۶۳. قانون ۶۴. موضوعات سیاسی نظیر انتخابات ۶۵. اصول انقلاب اسلامی
	عوامل اقتصادی	۶۶. مشکلات و مسائل اقتصادی جامعه ۶۷. رکود اقتصادی ۶۸. مسائل بازار ۶۹. عرضه و تقاضای کالاها و خدمات ۷۰. تورم

شخص‌ها (مفاهیم)	مقوله‌ها	نوع
<p>۷۱. سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی. اجتماعی دولت</p> <p>۷۲. جهت‌گیری فرهنگی اجتماعی دولت</p> <p>۷۳. کتاب و کتاب‌خوانی</p> <p>۷۴. موسیقی</p> <p>۷۵. آداب و رسوم و سنت‌ها</p> <p>۷۶. تهاجم فرهنگی</p> <p>۷۷. زیست اجتماعی اقوام مختلف</p>	عوامل اجتماعی - فرهنگی	عوامل مداخله‌گر
<p>۷۸. هیئت‌های مذهبی نظیر عزاداری‌ها و راه‌پیمایی اربعین</p> <p>۷۹. جلسات قرآنی و مسابقات مذهبی</p>	عوامل مذهبی	
<p>۸۰. فهم اعضا از سازوکار تغییر فرهنگ عمومی و شیوه‌های مؤثر مداخله در این فرایند</p> <p>۸۱. تعریف دقیق فرهنگ عمومی و ایجاد فهم و درک مشترک از فرهنگ عمومی</p> <p>۸۲. ارائه مسائلی و فهم راهکارها و سپس تدوین راهبردها</p>	عوامل ذهنی - ادراکی	
<p>۸۳. نقشه کلی و کلان برای دستورجلسات به منظور جلوگیری از پراکندگی دستورکارها</p> <p>۸۴. نیازسنجی فرهنگی</p> <p>۸۵. برخورداری از نظام موضوعات و اولویت‌ها</p> <p>۸۶. شناسایی اولویت‌های فرهنگی کشور و مناطق مختلف آن</p> <p>۸۷. ارزیابی سیاست‌های قبلی و مصوبات قبلی شورا</p> <p>۸۸. ارزیابی برنامه‌های اجراشده و تبیین میزان موفقیت آن‌ها در رسیدن به اهداف</p> <p>۸۹. تغییر و بازنگری اساس نامه شورای فرهنگ عمومی کشور</p> <p>۹۰. تعیین شاخص‌های روشن برای تبیین وضعیت فرهنگی جامعه</p> <p>۹۱. رصد مستمر وضعیت فرهنگ عمومی و مسئله‌یابی و مسئله‌شناسی آن</p> <p>۹۲. ابلاغ، پیگیری و نظارت بر اجرای مصوبات شورای فرهنگ عمومی کشور</p> <p>۹۳. ضمانت اجرایی مناسب برای تحقق دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی</p> <p>۹۴. حضور منظم و فعال اعضای شورا</p> <p>۹۵. اطلاع‌رسانی اقدامات انجام‌شده به مسئولان و مردم</p> <p>۹۶. تذکر به افراد و یا دستگاه‌های مسئول انجام مأموریت‌های فرهنگی به‌علت قصور</p>	برنامه‌ریزی کلان فرهنگی	فرآیندها
<p>۹۷. شناسایی ظرفیت‌های نهادهای فرهنگی کشور (که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند)</p> <p>۹۸. ارتقای فرهنگی با بهره‌گیری از ظرفیت مراکز و دستگاه‌های فرهنگی و تقویت روحیه همدلی و هم‌افزایی</p> <p>۹۹. شناسایی الگوهای موفق در عرصه‌های فرهنگی</p> <p>۱۰۰. معرفی افراد حقیقی یا حقوقی موفق (الگونمایی)</p> <p>۱۰۱. تشویق عناصر موفق فرهنگی</p>	ظرفیت‌شناسی و الگوسازی فرهنگی	
<p>۱۰۲. برخورداری از زبان دیالکتیکی بین عرصه مدنی و عرصه رسمی کشور</p> <p>۱۰۳. هماهنگی و تعامل بین نهادهای فرهنگی و غیرفرهنگی کشور نظیر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ...</p> <p>۱۰۴. ایجاد فضای گفت‌وگوی گسترده در جامعه در مورد شاخص‌های وضعیت فرهنگی جامعه</p>	تعاملات بین فردی و بین‌نهادی	

ردیف	مقوله ها	شاخص ها (مفاهیم)
زیردها	تعاملات بین فردی و بین نهادی	۱۰۵. میدان دادن به اقدامات و فعالیت های محلی و فرهنگ ساز برای بهبود وضعیت اجتماعی و در جریان بودن دائمی این چرخه ۱۰۶. اجماع و توافق بین مردم، نخبگان و مسئولان
	موضوعات فرهنگی	۱۰۷. گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی ۱۰۸. سرمایه اجتماعی ۱۰۹. اخلاق عمومی ۱۱۰. زنان و خانواده ۱۱۱. بهداشت، سلامت و نشاط اجتماعی ۱۱۲. خردورزی و استدلال گرایی ۱۱۳. آسیب های اجتماعی ۱۱۴. روح ملی و شخصیت میهنی ۱۱۵. محیط زیست ۱۱۶. جوانان ۱۱۷. معماری و شهرسازی ۱۱۸. دین و مذهب
پیمانه	بهره وری و کارآمدی تصمیمات شورا	۱۱۹. تحقق اهداف و مصوبات شورای فرهنگ عمومی کشور ۱۲۰. از دستورکار خارج کردن موضوعات فعلی به علت ناکامی آن ها در اجرا در چند دهه اخیر ۱۲۱. اثربخشی بهتر مصوبات در سطح کشور ۱۲۲. نزدیک شدن به اهداف شورای فرهنگ عمومی و شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۲۳. ایجاد سازوکاری ثابت برای تهیه دستورکارها ۱۲۴. وجود فرایندی نظام مند (حداقل در حد نگارش اسناد و دستورالعمل ها) برای مقابله با تغییرات سیاسی که ثبات دستورکارها را به چالش می کشد. ۱۲۵. افزایش توان کارشناسی شورای فرهنگ عمومی برای ایفای نقش های نظارتی ۱۲۶. گسترش ارتباط مؤثر با ذی نفعان و فعالان عرصه فرهنگ و استفاده از ظرفیت های فرهنگی ۱۲۷. توانمندسازی سازمان های فرهنگی برای انجام کارویژه های سازمانی ۱۲۸. ایجاد رقابت سالم فرهنگی در ارائه طرح های عملیاتی در حوزه فرهنگ عمومی ۱۲۹. به مددطلبیدن اهل هنر و عناصر خوش ذوق برای تبدیل محتوای مورد نیاز مخاطبان ۱۳۰. تصاعد بخشی قدرت تجمیعی سازمان ها با انسجام و هم افزایی
	بهبود فرهنگ عمومی و کاهش مشکلات و معضلات اجتماعی	۱۳۱. اتخاذ تصمیمات درست و به موقع برای پیش گیری از آسیب های اجتماعی و مقابله با آن ۱۳۲. کارآمدی تصمیمات شورا و مشهود بودن اثرات آن در کاهش آلام و مشکلات جامعه برانگیزاننده است تا مشارکت بیشتری در پیاده سازی برنامه ها داشته باشند. ۱۳۳. برنامه ریزی و هدایت و اجرای طرح جامع مسئله یابی و مسئله شناسی فرهنگی کشور و اولویت بندی آن ها ۱۳۴. ایجاد سازوکار ارتباطی مستمر با نخبگان فرهنگی و اهل فکر و قلم و اقشار جامعه برای راهکار یابی کاهش مشکلات و ارتقای سطح فرهنگ عمومی ۱۳۵. کشف استعداد های فرهنگی در لایه های متفاوت اجتماعی و بهره گیری از خدمات آن ها

هدف مرحله کدگذاری محوری، طبق الگوی استراوس و کوربین، برقراری رابطه بین مقوله‌های تولیدشده در مرحله کدگذاری باز و محوری است. در این پژوهش، مقوله اصلی تحت عنوان «دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی» است. این مقوله به عنوان «پدیده مرکزی» انتخاب شده و در مرکز الگو قرار گرفته است؛ زیرا می‌توان ردّیا و اثر آن را در اغلب داده‌ها و نقل قول‌های مصاحبه‌شوندگان به وضوح مشاهده کرد. سپس دیگر مقوله‌ها به آن ربط داده شده‌اند که عبارت‌اند از: «شرایط علی»، «راهبردها»، «شرایط زمینه‌ای»، «شرایط مداخله‌گر»، و «پیامدها» که در شکل ۱ ارائه شده‌اند. این مرحله مشتمل بر ترسیم نموداری است که الگوی کدگذاری نامیده می‌شود. الگوی کدگذاری روابط میان شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، و پیامدها را نمایان می‌کند.

شکل ۱ فرایند مدیریت داده‌ها و تکامل الگو در سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) را نشان می‌دهد.



شکل ۱. فرایند مدیریت داده‌ها و تکامل الگو در سه مرحله کدگذاری (یافته‌های پژوهشگران)

الگوی نظام‌مند یکپارچه‌سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی کشور چیست؟
در نهایت در مرحله کدگذاری انتخابی و خلق نظریه، روابط بین مقوله‌ها مشخص شدند و الگوی پارادایمی نظریه برخاسته از داده‌ها شکل گرفت. در این مرحله نیز، با بهره‌گیری از دیدگاه‌های خبرگان حوزه فرهنگ عمومی، الگوی یکپارچه‌سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی مشتمل بر ۱۳۶ شاخص (کد باز) و ۳۲ مؤلفه (کد محوری) و ۶ بُعد ترسیم شد.

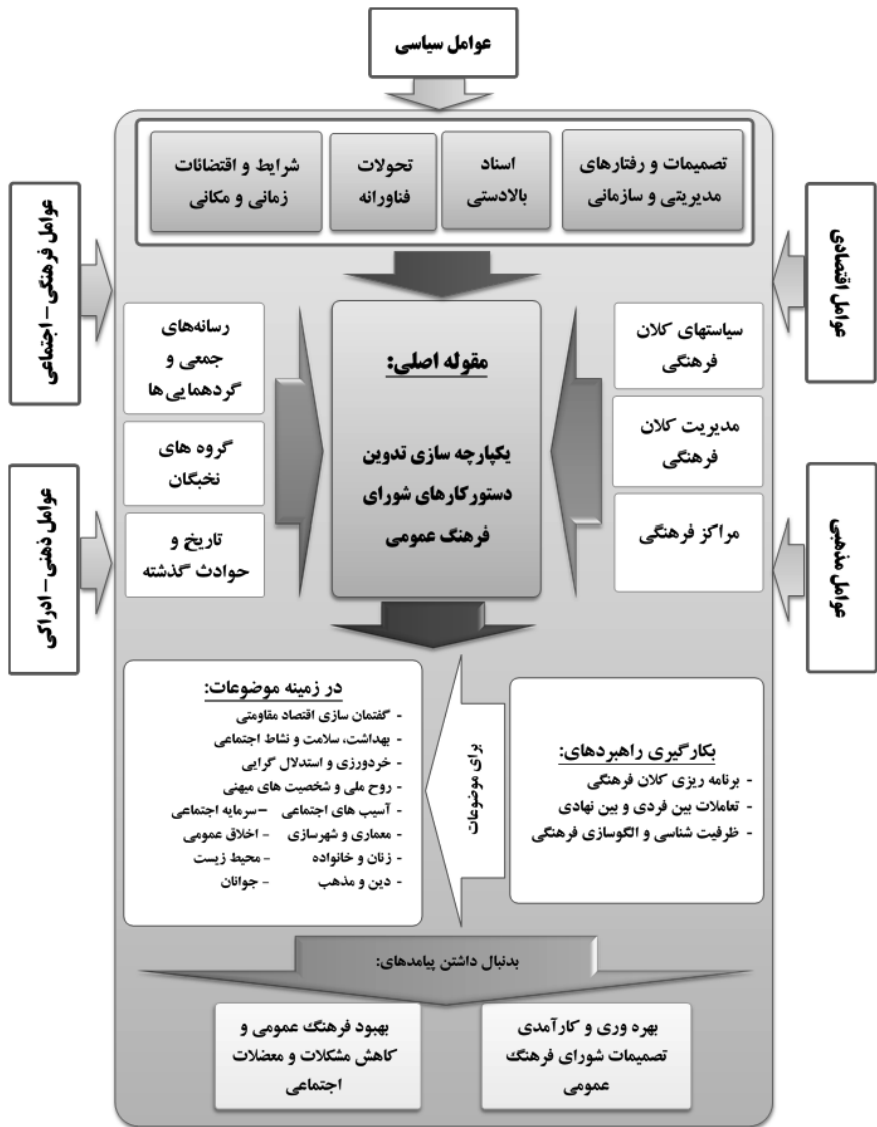
در طول فرایند کدگذاری و فرایند تلفیق جهت یکپارچه‌سازی و پالایش نظریه، متن مصاحبه‌ها چندین بار بررسی شدند و بعد از مشخص شدن مقوله محوری (یکپارچه‌سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی) و استفاده از آن برای نزدیک کردن مقوله‌ها، عبارات و ایده‌هایی که بیانگر روابط بین مقوله‌های اصلی و فرعی بودند مورد توجه قرار گرفتند. بر همین اساس، روابط بین مقوله‌های اصلی و الگوی پارادایمی یکپارچه‌سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی شکل گرفتند. نهایتاً مقوله‌های آشکار شده در قالب ابعاد شش‌گانه الگوی پارادایمی، با روابطی که بین آن‌ها وجود دارد، به صورت ذیل تعیین شدند.

عوامل علی: این خط باید حذف شود.

خلق نظریه: یکپارچه‌سازی تدوین دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی یکی از ضرورت‌ها و اولویت‌های شورای فرهنگ عمومی کشور است؛ چراکه نبود برنامه‌ای مدون و پرداختن به مسائل سلیقه‌ای و برگرفته از نظرهای شخصی اعضا به رویکردی غیرهمه‌جانبه منجر شده است و در بسیاری موارد، موضوعات مورد بررسی اولویت‌های فرهنگی کشور نبوده‌اند. بر این اساس، باید دستورکارها در قالب مدلی فراگیر و منبعث از مسائل مهم و اساسی فرهنگ کشور به دست آیند، درمورد آن‌ها بحث شود و در نهایت نتیجه‌گیری و تصمیم‌گیری شود تا برنامه‌ریزی لازم برای مسائل فرهنگی کشور صورت گیرد. بر این اساس، الگوی به دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد باید عوامل علی-یعنی حوادث، وقایع و اتفاقاتی که به وقوع یا گسترش دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی منجر می‌شوند، شناسایی و بیان شوند. این عوامل به اسناد بالادستی، شرایط زمانی و مکانی، تصمیمات کلان مدیریتی کشور و تغییرات فناورانه مربوط می‌شدند که باید در دستورکار شورای فرهنگ عمومی قرار گیرند. انجام هر عملی نیازمند بسترسازی مناسب است. اگر بستر حاکم بر موضوع مورد بحث به درستی شناسایی و تحلیل نشود،

مراجع ارائه‌دهنده دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی نامشخص خواهند ماند و امکان اینکه تمام دیدگاه‌های صاحب‌نظران اخذ و جمع‌بندی شوند وجود نخواهد داشت. لذا عوامل بسترساز یا پیشنهاددهنده دستورکارها در این پژوهش شناسایی شده‌اند و می‌توان براساس نظر آن‌ها دستورکارها را شناسایی کرد. هر عملی که انجام آن با مشکلاتی روبه‌روست باید برای برطرف‌کردن آن‌ها برنامه داشت. این عوامل مداخله‌گر مسیر تدوین دستورکارها را دشوار می‌کنند و مانعی بر سر راه آن‌ها خواهند بود. بنابراین در این پژوهش عوامل مداخله‌گر یا مشکل‌ساز شناسایی شده‌اند و برای رفع آن‌ها باید برنامه‌ریزی لازم را انجام داد. در ادامه فرایند الگوسازی برای یکپارچه‌سازی تدوین دستورکارها، باید راهبردهای مناسبی طراحی و اجرا شوند. شورای فرهنگ عمومی براساس نظر خبرگان باید برای هر یک از دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی چندین راهبرد تعریف کند و تمام ابعاد و مؤلفه‌های عملیاتی‌کردن آن‌ها را شناسایی و مصوب کند. اجرای راهبردهای فرهنگی نیازمند همکاری نهادها و سازمان‌های دولتی و عمومی مختلفی است و باید برای عملیاتی‌کردنشان در بخش‌های مختلف ضمانت‌اجرائی مشخص کرد، بودجه تخصیص داد، زمان‌بندی مناسب برای شروع و اتمام تعیین کرد (چراکه اگر برنامه‌ها به‌موقع و در زمان مناسب پیاده نشوند اثرگذاری خود را از دست می‌دهند). لذا تعیین راهبرد یکی از گام‌های مهم در تدوین الگوی مزبور است. در نهایت، گام‌های قبلی نظیر شناسایی عوامل علی، مداخله‌گر، بسترساز و راهبردها به پیامدهای مثبت و منفی برای کشور منجر خواهند شد که فرهنگ کشور را تا حد زیادی به سمت مطلوب تغییر می‌دهند. باید دید آیا آنچه انتظارش را داشته‌ایم محقق شده و اصلاً هدفمان چه بوده است. باید بازنگری لازم برای اقدامات انجام‌شده صورت گیرد و نظرهای اصلاحی براساس بازخوردها و نتایج به‌دست‌آمده بررسی شوند و برای آن‌ها برنامه‌های جدیدی مصوب شود تا حداقل اقدامات منفی حذف یا کاهش محسوس یابند.

بنابراین یکپارچه‌سازی تدوین دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی از طریق توجه به مقوله‌های مختلف شرایط زمینه، شرایط مداخله‌گر، شرایط علی، راهبردها و پیامدها تحقق‌پذیر است. براساس مفاهیم و مقوله‌های استخراجی از مراحل قبل، روایتی از نحوه به‌کارگیری سایر عوامل مؤثر بر دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی کشور تشریح شده است که شماتیک وار به‌عنوان الگوی نهایی پژوهش ترسیم شده است.



شکل ۲. الگوی نظام مند یکپارچه سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی کشور (یافته‌های محققان)

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به منظور ارائه الگویی برای یکپارچه‌سازی دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی کشور، ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی استخراج شدند که برخی از آن‌ها زمینه‌ساز علل به وجود آورنده، مداخله‌گر، راهبردی و پیامد بودند.

یافته‌های حاصل از پژوهش پیش‌رو حکایت از آن دارد که برای یکپارچه‌سازی تدوین دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی کشور ابتدا باید دستورکارها بر اساس معیاری از کانال مشخصی تنظیم شوند. نتایج نشان داد باید دستورکارها بر اساس اسناد بالادستی (نظیر بیانات مقام معظم رهبری، برنامه‌های توسعه کشور، اسناد و مدارک فرهنگی کشور)، تغییر و تحولات ایجاد شده در فناوری و دانش روز، و شرایط و اقتضات زمانی و مکانی مناطق مختلف کشور تنظیم شوند و هیچ دستوری خارج از این بستر نباشد. بررسی این زمینه‌های حاکم بر موضوع فرهنگ عمومی را باید افراد، گروه‌ها و مراکز مشخص پیشنهاد کنند و در دستورکار قرار دهند که از آن جمله می‌توان این موارد را برشمرد: مدیریت کلان فرهنگی کشور؛ رسانه‌های جمعی (صداوسیما، مطبوعات، همایش‌ها)؛ مراکز فرهنگی (حوزه، دانشگاه، آموزش و پرورش، اماکن زیارتی)؛ گروه‌های نخبگان (روحانیان، استادان دانشگاه، معلمان، ورزش‌کاران و هنرمندان)؛ و وقایع و حوادث تاریخی (سطح‌بندی‌های مذهبی، زبان، پوشش، آداب و سنن). این گروه‌ها و مراکز فرهنگی به علت اینکه بیشترین ارتباط را با آحاد جامعه دارند و در بطن جامعه قرار دارند بیشتر مشکلات و معضلات اجتماعی را دیده و درک می‌کنند و می‌توانند برای رفع آن‌ها پیشنهادهای اثرگذاری به شورای فرهنگ عمومی ارائه دهند. ضمن اینکه این نخبگان و گروه‌ها خود برای تقویت نقاط قوت فرهنگی مراکز و حیطة فعالیت خودشان می‌توانند پیشنهادهایی را به شورای فرهنگ عمومی ارائه کنند. علاوه بر موضوعات و مسائل مهم و مرتبط با فرهنگ غنی ایرانی اسلامی که نیازمند پیگیری و ارائه مصوبات فرهنگی هستند، عوامل دیگری نیز بر دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی می‌توانند تأثیرگذار باشند و شورا نباید بدون در نظر گرفتن آن‌ها و بر اساس فرایندی ثابت و غیرمنعطف پیش برود. شرایط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، امنیتی و... در جهان به سرعت در حال تغییر و تحول مسائلی را پیش می‌آورند که غفلت از آن‌ها باعث نفوذ و تهاجم فرهنگی خواهد شد یا بی‌توجهی آحاد مردم را به دستورکارها و مصوبات جاری فرهنگ عمومی موجب خواهد شد. لذا شورای فرهنگ عمومی، علاوه بر داشتن سازوکار ثابت در موضوعات و کانال‌های پیشنهاددهنده دستورکارها، باید به کمک کارگروه‌های تخصصی، پیوسته به دنبال ارزیابی روندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... باشد و متناسب با تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهان

پیشنهادهایی را به شورا ارائه دهد.

بنابراین براساس نتایج، پس از بسترسازی لازم و شناسایی کانال‌های پیشنهاددهنده و عوامل مؤثر بر تدوین دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی، باید راهبردهای مشخصی را برای عملیاتی کردن مصوبات و برنامه‌ها تعیین کرد. براین اساس، ضرورت دارد برنامه‌ریزی کلان فرهنگی صورت گیرد و نقش تمام ذی‌نفعان مشخص شود، تعاملات بین فردی و بین‌نهادی برای عملیاتی کردن برنامه‌ها مشخص شود و سازوکارهای تعاملات ترسیم شود. همچنین باید ظرفیت‌های مختلف فرهنگی شناسایی شوند و الگوسازی فرهنگی براساس آن‌ها شکل بگیرد و در قالب راهبردهای تعیین شده به موضوعات اساسی جامعه، که با فرهنگ عمومی قرابت معنایی و کارکردی دوطرفه دارند، پرداخته شود. این موضوعات، که مهم‌ترین مسائل همه جوامع هستند، عبارت‌اند از: اقتصاد مقاومتی، جوانان، زنان و خانواده، اخلاق، محیط‌زیست، سرمایه اجتماعی، سلامت و نشاط اجتماعی، خردورزی، هویت و روحیه ملی، معماری و شهرسازی، و دین و مذهب.

پیگیری چنین فرایندی در شورای فرهنگ عمومی کشور نهایتاً فوایدی را به دنبال دارد که ازجمله می‌توان به افزایش بهره‌وری و کارآمدی تصمیمات اخذ شده و مصوبات شورای فرهنگ عمومی اشاره کرد. این فرایند همچنین به کاهش مشکلات و معضلات اجتماعی و بهبود فرهنگ عمومی کشور منجر خواهد شد.

بنابراین براساس نتایج به دست آمده باید گفت شورای فرهنگ عمومی کشور برای این مهم تشکیل شده است که به وضعیت فرهنگ عمومی کشور بپردازد و موضوعات مهم و روز را متناسب با اقبال مختلف از نظر فرهنگی، جنسیتی، سنی و... شناسایی کند؛ برای آن‌ها برنامه‌ریزی کند؛ و فرهنگ کشور را از گزند سایر فرهنگ‌های بیگانه و وارداتی حفظ کند. تعداد محدود اعضای این شورا قطعاً به تنهایی نمی‌توانند مسائل و مشکلات فرهنگی کشور را رصد کنند و به موقع به آن‌ها بپردازند. برای این کار باید از همه گروه‌ها و نهادهای عمومی و دولتی استفاده کنند و از آن‌ها نظرخواهی کنند و مسائل را دریافت کنند و با اولویت بندی آن‌ها به مسائل حیاتی و مهم بپردازند. نظرخواهی از تمام اقشار جامعه و نخبگان باید در قالب الگو یا برنامه‌ای مدون و مصوب انجام شود و کانال‌های ارتباطی مشخص شوند تا بتوانند نظرها را دریافت کنند. در این پژوهش، الگویی ارائه شده است که می‌توان تا حد زیادی این مشکل را برطرف کرد و به انسجام و یکپارچگی در تدوین دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی دست یافت.

اما به لحاظ نوآوری و تازگی نتیجه به دست آمده در این پژوهش باید گفت که این پژوهش تاکنون مشابهی نداشته و برای اولین بار در نهادی مثل شورای فرهنگ عمومی

انجام شده و منتج به ارائه‌الگویی شده است که از جوانب مختلف به بحث دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی پرداخته است و الگویی نظام‌مند ارائه کرده است که در نوع خود کاملاً نوآورانه است. سایر پژوهش‌های انجام‌شده داخل کشور به‌هیچ‌وجه به موضوع دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی نپرداخته‌اند، و بر اساس بررسی‌های پژوهشگر در خارج از کشور چنین شورایی وجود ندارد و پژوهشی هم به آن نپرداخته است و بررسی مقایسه‌ی نتایج پژوهش‌هایی که به فرهنگ عمومی پرداخته‌اند با نتایج این پژوهش، که به یکپارچه‌سازی تدوین دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی پرداخته، امکان‌پذیر نیست. به‌کارگیری الگوی یکپارچه‌سازی تدوین دستورکارهای شورای فرهنگ عمومی کشور به‌دست‌آمده در پژوهش پیش رو می‌تواند، ضمن جلوگیری از بی‌برنامه بودن جلسات شورا و یا بی‌نتیجه ماندن تصمیمات آن به لحاظ کارکردی نبودن و ناهم‌زمانی با تغییر و تحولات جامعه، به فرایندمحور شدن جلسات و دستورکارها و برنامه‌ریزی دقیق و صحیح برای تصمیم‌گیری، تصویب و ابلاغ و همچنین پیگیری تحقق آن‌ها منجر شود.

منابع و مأخذ

- ابن یامینی، پریسا (۱۳۹۷). «فرهنگ عمومی، هویت فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی دیدگاه‌های مقایسه‌ای». فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۱: ۱۹۷-۲۱۱.
- استوری، جان (۱۳۹۵). **مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه**. ترجمه حسین پاینده. تهران: نشر آگه.
- الوانی، سید مهدی و سید محمدحسین هاشمیان (۱۳۹۵). «ارائه مدل بومی سیاست‌گذاری متوازن بخش فرهنگ». شماره: ۱۲۵.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و مجید فولادیان (۱۳۹۰). «بررسی تحولات فرهنگ عمومی در ایران بر اساس تحلیل نام‌گذاری». فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۴: ۳۹۶۴.
- دریابور، زهرا (۱۳۹۶). **پژوهشنامه فرهنگ عمومی**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- دریس، پویا و آرش نصرافهانی و محمد روزخوش (۱۳۹۸). «تحلیلی از بافت انضمامی سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران؛ پژوهشی درباره عدم شفافیت و ابهام در سیاست‌گذاری فرهنگی ایران». فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۵۶: ۴۵۶۹.
- ذوعلم، علی (۱۳۷۹). «مقدمه‌ای در باب تعریف فرهنگ عمومی». فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۱۵: ۴۲-۵۳.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۸). **جامعه‌شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- لطیفی، میثم و محمد عبدالحسین زاده (۱۳۹۵). «الگوی نظام‌مند اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی در کشور بر اساس اندیشه‌های مقام معظم رهبری». فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۲۰: ۲۳۵۴.
- لطیفی، میثم و میثم ظهوریان (۱۳۹۴). «تدوین الگوی ارزیابی شاخص‌های فرهنگ عمومی در دانشگاه‌ها». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۲۹: ۴۷۷۰.
- مقتدایی، عباس و کبری راعی (۱۳۹۲). «شورای فرهنگ عمومی و تأثیر مصوبه‌های آن بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی». فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات، شماره ۲۳: ۹۳-۵۷.
- مقتدایی، عباس و لیلا سرتیپ‌زاده (۱۳۹۸). «تبیین چیستی شورای فرهنگ عمومی و جایگاه استانی آن (تحلیلی بر مبنای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی)». فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۵۵ و ۵۶: ۷۱-۶۲.
- Banks, M. (2020). 'The work of culture and C-19'. *European Journal of Cultural*, 23 (4): 648-654. doi.org/10.1177/1367549420924687.
- Bedoya, R. (2004). **US Cultural Policy: Its Politics of Participation, Its Creative Potential**. National performance network.
- Chang, W. C. (2011). Rethinking resource identification and utilization: The reconstruction

- of indigenous ethnoecological knowledge in Fata'an Wetland, Taiwan. **Management of Environmental Quality: An International Journal**.
- Filimon, M., Iftene, A. & Trandabăţ, D. (2019). Bob-a general culture game with voice interaction. **Procedia Computer Science**, 159, 323–332.
- Gray, C. (2007). 'Commodification and instrumentality in cultural policy'. **International Journal of Cultural Policy**, 13 (2): 203–215.
- Grodach, C. (2010). 'Beyond Bilbao: Rethinking flagship cultural development and planning in three California cities'. **Journal of Planning Education and Research**, 29 (3): 353–366.
- Khan, M. A. & Law, L. S. (2018). The role of national cultures in shaping the corporate management cultures: A three-country theoretical analysis. In **Organizational Culture**. IntechOpen.
- Mulcahy, K. (2006). Cultural policy. **Handbook of Public Policy**, 265–279.
- Rao, V. & Walton, M. (2004). **Culture and Public Action**. Stanford, Calif: Stanford University Press.
- Rosenstein, C. (2011). 'Cultural development and city neighborhoods'. **City, Culture and Society**, 2 (1): 9–15.
- Shaffer, M. S. (2008). **Public Culture: Diversity, Democracy and Community in the United States**. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Statistics Canada. (2011). **Canadian Framework for Culture Statistics**.
- Stevenson, D. (2005). 'Cultural planning in Australia: Texts and contexts'. **The Journal of Arts Management, Law, and Society**, 35 (1): 36–48.